



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين

### فرمایش محقق خویی درباره حجیت روایات اعتقادی

بحث ما در مسئله اعتقاد و بنای قلبی بر اموری بود که بر اساس اخبار آحاد ثابت می شد، در اینکه آیا اعتقاد به این امور واجب است یا نه، از کلام مرحوم خویی نقل کردیم که، اعتقاد به مدلول روایات آحاد بر اساس ادله حجیت خبر، واجب است. ما به ایشان یک تفصیلی را نسبت دادیم که آن تفصیل درست نبود. در کلام مرحوم خویی تفصیل وجود دارد اما با آن تفصیلی که ما تقریر کردیم متفاوت است.

ما گفتیم که ایشان، مبنای وجوب اعتقاد را این قرار داده است که اگر ما قائل به جعل علمیت برای امارات بشویم، آنگاه اعتقاد به مضمون روایات آحاد، واجب خواهد بود اما ایشان می فرماید حتی طبق مسلک مرحوم آخوند هم اعتقاد بر اساس خبر واحد واجب است.

تفصیلی در کلام ایشان، این است که، نسبت به امور غیر فرعی و غیر اعتقادی مانند امور تکوینی مثل نقل تاریخ و قصص، ایشان آن تفصیل را قائل شده که اگر مبنای ما در حجیت خبر، جعل علمیت باشد، اخبار مربوط به امور تکوینی حجت هستند و اگر مبنای منجزیت باشد، حجت نیستند.

فرمایش مرحوم خویی این بود که بعد از قیام خبر بر امری که محتوای خبر این است که معصوم ع این مطلب را راجع به امور اعتقادی فرموده، ادله حجیت خبر (چه قائل به جعل علمیت باشیم و چه قائل به جعل منجزیت و معذرت باشیم) شامل آن می شود و اعتقاد بر اساس مضمون خبر دالّ بر امر اعتقادی، واجب خواهد بود. مراد ایشان این است که اطلاق ادله حجیت خبر، اختصاص ندارد به موارد قیام خبر بر مسائل فقهی، کما اینکه اگر خبر دالّ بر حکم فقهی (مانند وجوب، اباحه و حرمت) باشد، ادله حجیت خبر، اقتضای اعتبار آن را می کند، همچنین اگر مضمون خبر، یک امر اعتقادی باشد، اقتضای اعتبار آن را دارد.

عبارت مرحوم آقای خویی این است: «وَأَمَّا إِنْ كَانَ الظَّنُّ مُتَعَلِّقًا بِمَا يَجِبُ التَّبَاطُؤُ وَ عَقْدُ الْقَلْبِ عَلَيْهِ وَ التَّسْلِيمُ وَ الانْقِيَادُ لَهُ، كَتَفَاصِيلِ الْبَرْزَخِ وَ تَفَاصِيلِ الْمَعَادِ وَ وَقَائِعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ تَفَاصِيلِ الصَّرَاطِ وَ الْمِيزَانِ وَ نَحْوِ ذَلِكَ مِمَّا لَا تَجِبُ مَعْرِفَتُهُ، وَ إِنَّمَا الْوَاجِبُ عَقْدُ الْقَلْبِ عَلَيْهِ وَ الانْقِيَادُ لَهُ عَلَى تَقْدِيرِ إِخْبَارِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) بِهِ، فَإِنْ كَانَ الظَّنُّ الْمُتَعَلِّقُ بِهِذِهِ الْأُمُورِ مِنَ الظُّنُونِ الْخَاصَّةِ الثَّابِتَةِ حَجِّيَّتِهَا بِغَيْرِ دَلِيلِ الْإِنْسَادِ فَهُوَ حُجَّةٌ، بِمَعْنَى أَنَّهُ لَا مَانِعَ مِنَ الْإِلْتِزَامِ بِمُتَعَلِّقِهِ وَ عَقْدِ الْقَلْبِ عَلَيْهِ، لِأَنَّهُ ثَابِتٌ بِالتَّعَبُّدِ الشَّرْعِيِّ، بِلَا فَرْقٍ بَيْنَ أَنْ تَكُونَ الْحُجَّةُ بِمَعْنَى جَعْلِ الطَّرِيقَةِ كَمَا اخْتَرْنَاهُ، أَوْ بِمَعْنَى جَعْلِ الْمُنْجِزِيَّةِ وَ الْمَعْذِرَةِ كَمَا اخْتَارَهُ صَاحِبُ الْكَفَايَةِ (قَدَسَ سِرُّهُ)»<sup>۱</sup>

گفتیم که مراد از کلمه «تبانی» در کلام مرحوم آقای خویی، تَبَيَّنَ و بنای قلبی است. ضابطه ای که ایشان در امور اعتقادی می فرمایند این است که: آن اموری که اگر پیامبر اکرم ص یا امام معصوم ع به آن خبر داده باشد، عقد قلب بر آن واجب است، حال اگر ندانیم پیامبر ص یا امام ع از آن خبر داده است یا نه. (چون خبر، واحد و محتمل صدق و کذب است

۱. مصباح الأصول (طبع مؤسسة إحياء آثار السيد الخوئي)؛ ج ۱؛ ص ۲۷۶.



لذا علم به صدور آن از معصوم ع وجود ندارد) آیا ادله حجیت، اقتضا دارد که نازل منزله علم به صدور باشد یا نه؟ که اگر علم به صدور بود، مفروض کلام ایشان این است که اعتقاد واجب است.

### وجوب تحصیل علم و عدم کفایت غیر علم در اموری مانند توحید و نبوت

اموری مانند توحید و نبوت وجود دارد که علم و تحصیل علم در آن واجب است ما وارد بحث از آنها نشدیم. بخشی از معارف و عقائد، تحصیل علم در آنها واجب است و اصلاً در آنها نمی شود به ظن اکتفا کرد. کسی که نسبت به توحید و معاد عالم نیست، تحصیل علم و معرفت بر او واجب است و معمولاً در کلمات بزرگان اینطور است که به غیر علم اکتفا نمی شود ولو شخص متمکن از علم نباشد. در اینچنین مواردی خبر و امثال خبر، حجت نیست، حتی اگر شخص، عاجز از تحصیل علم باشد، تحصیل ظن، نه واجب است و نه کافی است.

اینها اموری هستند که تحصیل علم در آنها واجب است هم تکلیفی و هم شرطی، یعنی علم به وجود داشتن خداوند متعال، و یکی بودن خداوند، هم تکلیفاً معرفت به آن لازم است و هم وضعاً مؤثر است در مسلمان بودن شخص و آثاری که بر مسلمان بار است مثل طهارت. یعنی اگر کسی با تمکن از تحصیل علم، تحصیل معرفت نکرده باشد، گناه کرده است. و اگر تحصیل معرفت نکرده باشد، ولو بدون تمکن از تحصیل علم، محکوم به اسلام نیست و محکوم به کفر و نجاست است ولو اینکه معذور باشد از باب اینکه قاصر است.

بله برای ترتیب آثار مسلمان بودن، همین مقدار که اظهار اسلام بکند کافی است هرچند تکلیفاً مؤظف است که به اسلام لسانی اکتفا نکند بلکه قلباً هم تحصیل معرفت و علم بکند. حتی کسانی که اعتقاد قلبی به اسلام ندارند، تظاهر به اسلام برای ترتیب آثار مسلمان بودن، کافی است. این مطلب در جای خود، الآن بحث ما در اینها نیست، بحث ما در این است که در عده ای از معارف، معلوم است که خبر واحد حجت نیست، مانند اصل اصول دین، که اکتفا به غیر علم در اینها جایز نیست، این مبحث فعلاً از بحث ما خارج است.

کلام در این است که در اموری که اگر معصوم ع به آنها خبر دهد، معرفت به آنها لازم است، اما اگر ندانیم این خبر از معصوم ع صادر شده یا نه، محل بحث اینجاست که آیا، ادله حجیت خبر، شامل اینجا هم می شود یا نه؟

عرض ما این بود که: مفروض کلام مرحوم آقای خویی این است که اگر آن کلام از معصوم صادر شده باشد اعتقاد به آن لازم است. اما ما نمی دانیم از معصوم ع صادر شده است یا نه، بحث در این است که همانطوری که ادله احکام فرعیه مثل وجوب و حرمت، تعبد به صدور می کند و مقتضی این است که آثار علم به صدور بار شود، ادله حجیت خبر، در این امور اعتقادی که بر فرض صدور، اعتقاد به آنها لازم است، ما را متعبد به صدور می کند یا نه؟ مرحوم خویی می فرمایند، بله ادله ما را متعبد به صدور می کنند.

پس صدور واقعی، موضوع وجوب اعتقاد است، تعبد به صدور، تعبد به وجود وجوب اعتقاد است. و در اینجا فرقی نمی کند حجیت به معنای جعل علمیت باشد یا به معنای جعل منجزیت و معذرت باشد.



## اشکال مرحوم تبریزی به فرمایش محقق خویی درباره حجیت روایات اعتقادی

مرحوم آقای تبریزی<sup>۱</sup> بعد از نقل کلام مرحوم آقای خویی به ایشان اشکال کرده و می فرمایند: حجیت خبر شامل مسائل معارفی و اعتقادی نمی شود ولو اموری که محکی خبر است، بر فرض صدور، اعتقاد به آنها واجب است. از لوازم تصدیق رسالت، اعتقاد به این اموری است که معصوم ع از آنها خبر می دهد. اگر کسی بخواهد مسلمان باشد و به نبوت پیامبر ص معتقد باشد، از لوازم آن این است که اخبارات آن حضرت ص را تصدیق کند. مثل اخبار پیامبر ص از رجعت، تفاصيل قبر و قیامت، و یا مانند اخبار از امامت مانند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»<sup>۲</sup>، از لوازم مسلمان بودن شخص این است اگر پیامبر ص، امامت شخصی را از طرف خداوند ابلاغ کند، باید به آن معتقد بود. و آلا نمی شود کسی معتقد باشد پیامبر ص امامت ائمه ع را ابلاغ کرده است، در عین حال امامت ائمه ع را قبول نداشته باشد، اگر کسی اینگونه باشد، حتما مسلمان نیست. به ضرورت فقه مسلمین اگر کسی اینگونه عمل کند مسلمان نیست امامت که جای خود، اگر کسی به واجبات شریعت مانند نماز اعتقاد نداشته باشد و منکر آن شود (با فرض اینکه می داند نماز جزء شریعت است) مسلمان نیست.

و لذا کسانی که معتقد به امامت خاصه نیستند، عذر اینها (اگر عذری داشته باشند) این است که ما به اینکه پیامبر ص جعل و ابلاغ امامتی در رابطه با معصومین ع داشته باشد، علم نداریم، نه اینکه با فرض اینکه قبول دارند پیامبر ص ابلاغ امامت و نصب امامت کرده و در عین حال حرف آن حضرت را قبول ندارید، حداقل در مقام اظهار، حرف آنها این است.

بنابراین اگر پیامبر ص، اخبار از رجعت یا ظهور حضرت مهدی (عج) و امثال اینها کرد، اعتقاد به اینها، بر ما واجب است بر اساس وجوب تصدیق پیامبر ص. این از لوازم ایمان به نبوت پیامبر ص است. پس اگر این اخبارات بر ما معلوم بود، علم به آنها واجب است، حال اگر ثقة ای خبر از اخبار معصومین از این امور دهد، آیا باز هم اعتقاد بر اساس آنها واجب است؟ فرض این است که علم به صدور نداریم بلکه ثقات از پیامبر ص نقل می کنند نه اینکه هرکسی نقل کند ولو از صحابه منافق باشد. خبر صحابه منافق ارزشی ندارد و توهم وجوب اعتقاد به آن هم وجود ندارد. کلام این است که در مواردی که صحابه عدول و عدول صحابه، و همینطور ائمه ع که برخی از آنها مثل امام علی ع و امام حسن و امام حسین علیهما السلام جزء صحابه هستند و ائمه ای که جزء صحابه نیستند آن حضرات علوم را به واسطه پدرانش تلقی کرده است و ابلاغ می فرماید و لذا ائمه متأخر فرموده اند «حدیثی حدیث اُبی و حدیث اُبی حدیث جدی» تا برسد به حدیث پیامبر ص و قول جبرئیل و قول خداوند متعال، کلام این است که اگر روایت از معصومین اعم از پیامبر ص و ائمه ع، وسائط عدول، مطلبی را از این معصومین ع به عنوان معارف نقل کنند آیا اعتقاد به مضمون آنها بر اساس ادله حجیت خبر، بر ما لازم است یا نه؟ مرحوم تبریزی می فرمایند واجب نیست.

ما مطلب را تکرار کردیم که تفاوت فرمایش مرحوم آقای خویی و آقای تبریزی مشخص شود. مرحوم آقای خویی فرمودند نسبت به تفاصيل معارف که اگر از معصوم ع صادر شده باشند اعتقاد به آنها واجب است، آیا دلیل حجیت شامل

<sup>۱</sup> . دروس فی مسائل علم الأصول، ج ۴، ص: ۲۲۰.

<sup>۲</sup> . مائده: ۶۷.



اخبار از این موارد می شود یا نه؟ مرحوم آقای تبریزی این حرف را اینگونه تقریب کرده و فرموده: آن معارفی که اگر از معصوم صادر شده باشد باید تصدیق شود چون مقتضای تصدیق رسالت است، آیا دلیل حجیت شامل اخبار از این امور می شود یا نه؟ مرحوم آقای خویی فرمودند شامل می شود اما مرحوم آقای تبریزی می فرمایند دلیل حجیت خبر، شامل این موارد نمی شود و اظهار تردید می کنند.

اشکال ایشان این است که عمده دلیل ما بر حجیت خبر، بنای عقلا است و بنای عقلا، بر اعتقاد بر اساس خبر نیست اصلاً عقلا در معایش و زندگی، اعتقادی را بر اساس خبر واحد قائل نیستند تا ما بگوییم ادله حجیت خبر، آیا شامل اعتقادات اسلامی می شود یا نه. عقلا در اعتقاداتشان بر اساس خبر عمل نمی کنند. عقلا خبر واحد را در امور فردی و روابط عبد و مولی، حجت می دانند اما در امور اعتقادی بر اساس خبر واحد بنایی ندارند و بر اساس خبر واحد معتقد به یک شیئی نمی شوند. لذا ایشان فرموده که حجیت خبر فقط در روابط موالی و عبید است و آنچه مربوط به روابط موالی و عبید است مسائل عملی است نه اعتقادی. و در مسائل اعتقادی، بنایی از عقلا در خبر واحد، محقق نیست یا معلوم نیست. لذا روایتی که از تفصیل قیامت خبر دهد، مشکل است که اعتقاد به این تفصیل واجب باشد؛ چون دلیل حجیت، بنای عقلا است و در مثل اعتقادات، بنای عقلا محقق نیست.

### فرمایش محقق خویی درباره حجیت روایات مربوط به امور تکوینی

مرحوم خویی بعد از اینکه ادله حجیت را شامل مسائل اعتقادی می دانند متعرض امر دیگری می شوند و آن، اموری غیر از معارف و فقه، از قبیل تاریخ، قصص است و همچنین از جمله مسائل پزشکی که ما به این اعتبار، متعرض بحث از آن خواهیم شد. موارد حاکی از امور تکوینی مانند مسائل تربیتی حتی مسائل ثواب و عقاب، و همچنین تأثیر افعال انسان در تکوینیات، مثلاً اگر این کار را انجام دهید، دچار بلا نمی شوید و... آیا در این مجالات خبر واحد حجت است یا نه؟ محقق خویی وارد این بحث شده اند.

حاصل کلام ایشان در این مجال، همان تفصیلی است که در جلسه قبل بیان کردیم اما ما این تفصیل را به اشتباه بر اعتقادیات تطبیق کردیم ایشان این تفصیل را اینجا مطرح می کنند. اخباری که از امور تکوینی به دست ما رسیده، حجیت و عدم حجیت در آن، مبتنی بر مبنای ما در حجیت است؛ اگر قائل به حجیت بر اساس جعل علمیت هستیم این روایات حجت است و آلا حجت نمی باشند.

### اشکال مرحوم تبریزی به فرمایش محقق خویی

مرحوم آقای تبریزی در اینجا هم با محقق خویی مخالفت می کنند و می فرماید دلیلی بر اعتبار اخبار، در امور تکوینی، وجود ندارد؛ چون عمده تأثر حجیت خبر در این مجالات، اخبار و اسناد است. اگر روایتی بگوید مثلاً صدقه دفع بلا می کند یا رجعت اتفاق می کند، اثر حجیت این روایت چیست؟ مرحوم آقای خویی می فرماید اثر آن، اخبار و اسناد است. می توان آن را به معصوم ع اسناد داد بدون اینکه روزه باطل شود و ایشان می فرماید حجت است بنابراین که اعتبار خبر به ملاک جعل علمیت باشد چون اخبار موقوف بر علم است و ادله حجیت، تعبد به علم کرده است و به حکومت، علم ساز شده است.



### معنای حکومت در کلام محقق خویی در جعل علمیت

ما تفصیل آن را در اصول مطرح کردیم آن حکومتی که مرحوم خویی می فرمایند نوعی ورود است ایشان می فرمایند یک علم حقیقی ساخته می شود و کأنه اینطور به محقق نائینی نسبت می دهند که با تعبد، یک علم حقیقی ساخته می شود ما دو علم داریم: ۱. یک علمی با قطع نظر از جعل، که علم وجدانی است ۲. علمی که حقیقتاً با تعبد شکل می گیرد. ولذا این نوعی ورود است و تعبیر از آن به حکومت، نوعی مسامحه است. جعل علمیت یعنی اینکه با این جعل، علم حقیقی محقق می شود.

به هر حال مرحوم خویی می فرماید در مسئله اسناد و اخبار، نیاز به علم است و ادله حجیت، جعل علمیت کرده است. پس اسناد و اخبار اشکالی نخواهد داشت.

البته این جعل علمیت، منوط به این است که با واقع مطابقت داشته باشد و اینطور نیست که اگر مطابق با واقع نباشد، مسببه باشیم و مؤدائی جعل شود. ولی در عین اینکه طریقت دارد یک علم حقیقی تولید می شود. بعد از اینکه شارع ما را متعبد کرد و جعل علمیت کرد اعتقاد بر اساس آن واجب می شود و در تکوینیات، اخبار از آنها جایز خواهد بود. اخبار از امور تکوینی فقط اثر اسناد و اخبار را دارد، بحث این است که آیا این اثر، بار می شود یا نه؟

### توضیح مرحوم تبریزی درباره جعل علمیت

با اینکه مبنای مرحوم تبریزی در حجیت امارات، جعل علمیت است، این مطلب بارها در درس ایشان از ایشان شنیده شده، ایشان مثال می زدند: مثلاً یک پدر توسط یک ثقه به فرزند خود ابلاغ می کند که شب که آمدی خانه، نان بخر، اگر بیاید خانه و نان نگیرد، بابا بگوید چرا نان نگرفتی، بگوید من یقین نداشتم، بابا می گوید مگر نمی دانستی، مگر فلانی به تو نگفت، از «مگر فلانی به تو نگفت» تعبیر می کند به «مگر نمی دانستی». ایشان به این تکیه داشت که عرفاً می گویند مگر نمی دانستی، یعنی خود اخبار ثقه را دانستن و علم به حساب می آورند. پس بنای عقلا، اعتبار خبر است به صورت علماً. ایشان می فرماید حتی با مسلک جعل علمیت، اسناد و اخبار از امور تکوینی که بواسطه اخبار بیان شده، مشکل است یا جایز نیست.

فقط خبر در مجال عمل و فقه معتبر است اما در مجال اعتقاد و اخبار از امور تاریخی و امور تکوینی، دلیلی بر اعتبار خبر وجود ندارد.

**سؤال:** اسناد و اخبار، یک فعل است (اینکه از مضمون اخبار آحاد خبر بدهیم) و داخل در فقه است، چرا حجیت شامل آن نمی شود؟

**پاسخ:** اخبار از امور تکوینی در دائره فقه است (خبر دادن یکی از افعال مکلفین است) اما مرحوم تبریزی می فرمایند: با این حال، دلیل حجیت شامل این بخش نمی شود چون بنای عقلا بر حجیت به لحاظ اسناد ثابت نیست. بنای عقلا از ناحیه عمل به غیر ناحیه اسناد است. بنایی از عقلا بر حجیت به لحاظ اسناد نداریم. عقلا که می گویند خبر معتبر است به لحاظ محتوا است نه به لحاظ اسناد. خبر حجت بر مضمونش است نه حجت بر اسناد.

اینکه پدر به ثقه ای گفته که به پسرش بگوید نان بخر در اینجا، حجت بر این است که شما (بابا) این را گفتی، نه حجت بر اینکه من می دانم شما (بابا) گفتی. اخبار، مترتب بر گفتن او نیست، جواز اخبار، مترتب بر علم به گفتن است. آن



محتوا و آن گفته، واقعی است که ترتیب اثر آن منوط به علم نیست و اما اخبار، مترتب بر علم به آن مضمونی است که می خواهیم نسبت بدهیم. جعل علمیت به لحاظ مضمون قضیه است، نه به لحاظ اخبار. یعنی علم تبعیدی پیدا کردم که لازم است نان بخرم ولی علم پیدا نکردم که پدرم گفته نان بخرم تا بتوانم به آن خبر دهم.

**سؤال:** چطور بدون اینکه علم پیدا کنیم که پدر گفته نان بخر، علم پیدا می کنیم که باید نان بخریم؟

**پاسخ:** علم پیدا کردم به لزوم خریدن. شارع جعل علمیت کرده به لحاظ مؤدّی و معلوم، نه به لحاظ خود علم و آثار علم، فلذا نسبت به علم و آثار علم جعل علمیت نکرده است. به لحاظ آثار معلوم جعل علمیت کرده است نه به لحاظ آثار خود علم. در شریعت برخی از آثار مترتب بر معلوم است مثل وجوب شیء، اینکه باید روزه گرفت، اثر وجوب صوم است، نه اثر علم به وجوب صوم و لذا می گویند احکام، مشترک بین عالم و جاهل است یعنی بدون علم هم واجب است ولی مکلف، معذور است این یک بحث است اما برخی از آثار مترتب بر واقع نیست بلکه مترتب بر علم است مثل جواز اخبار و از جمله اعتقاد، طبق نظر مرحوم تبریزی. تعبد به علمیت به لحاظ اثر خود علم نیست بلکه به لحاظ اثر معلوم است.

**نکته:** عمدتاً، هم دلیل مرحوم خویی و هم دلیل مرحوم تبریزی، بر اعتبار خبر، بنای عقلا است اما در حجیت خبر نسبت به إسناد و اخبار، نظر این دو بزرگوار متفاوت است.

ما نسبت به فرمایش این دو بزرگوار، عرایض داریم که انشاء الله مطرح خواهیم کرد.

والحمد لله ربّ العالمین